

زینت یا مزیت؟

گفت‌وگو با دکتر حسین اسکندری (استادیار دانشگاه بجنورد)

اشاره

دکتر حسین اسکندری دارای مدرک کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی از دانشگاه علامه طباطبایی و دکترای تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد و استادیار دانشگاه بجنورد است و همچنین در دانشگاه گوتنبرگ سوئد در یک فرصت مطالعاتی با عنوان «ارتباط‌گرایی» شرکت کرده‌است. وی عنوان‌های پژوهشگر برتر و استاد برتر آموزشی را نیز در کارنامه خود دارد و کتاب‌های بسیاری را از جمله «نظریه و عمل رسانه‌های آموزشی در عصر دیجیتال»، «استانداردهای درس‌افزارهای یادگیری الکترونیکی»، «نظریه و عمل در شبکه‌های یادگیری»، «تدریس و یادگیری طراحی و فناوری» و «روندها و مسائل طراحی و فناوری آموزشی» را تألیف و ترجمه کرده‌است. در این پرونده، در خصوص رسانه‌های نوین آموزشی، مزایا و چالش‌ها، و ویژگی‌های آن‌ها پای صحبت ایشان نشست‌ایم. مطلب پیش رو نتیجه این گفت‌وگوست.

«لطفاً تعریفی کوتاه از رسانه‌های نوین آموزشی بیان کنید و بفرمایید این رسانه‌ها بر فرایند یاددهی - یادگیری چه تأثیری دارند؟»

«تعریف» کار متخصصان و صاحب‌نظران است و پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های ویژه‌ای دارد، اما «توصیف» خیر. عموم مخاطبان با توصیف رابطه‌ی بهتری دارند تا تعریف. بنده تعریف و توصیف رسانه‌های نوین آموزشی را در کتاب «نظریه و عمل رسانه‌های آموزشی در عصر دیجیتال» آورده‌ام. به زبان ساده و خارج از تکلف‌های پیچیده، منظور از رسانه‌های نوین آموزشی از بعد سخت‌افزاری، رایانه و تلفن همراه، تبلت و تخته هوشمند است که «با» یا «بدون» اتصال به اینترنت، در خدمت آموزش و یادگیری قرار می‌گیرند و از بعد نرم‌افزاری شامل همه‌تارنماها، اپلیکیشن‌ها، رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و درس‌افزارهایی است که با استفاده از سخت‌افزارهای مذکور می‌توانند وظیفه‌ی آموزش و یادگیری را به عهده گیرند یا به آن کمک کنند.

رسانه‌های مذکور هر چقدر پیشرفته، پیچیده و گران‌قیمت باشند، به‌خودی‌خود تأثیر خاصی بر کیفیت‌بخشی و ارتقای فرایند یاددهی - یادگیری نخواهند داشت. تعداد بی‌شماری از تحقیقات در سرتاسر دنیا نشان داده‌اند که تأثیر این رسانه‌ها «مطلق» نیست و به‌شدت «مشروط» است؛ مشروط به طراحی آموزشی نهفته در آن‌ها، مشروط به مهارت‌های فردی معلم و شاگرد، مشروط به زمینه‌های فرهنگی

و ارزشی و مانند آن. از آنجا که در بسیاری از موارد، شرط‌های مورد نظر رعایت نمی‌شوند، این دسته از رسانه‌ها، در قیاس با رسانه‌های سنتی، اثربخشی خاصی ندارند و تفاوت معناداری را موجب نمی‌شوند.

«به نظر شما چه منابع و امکاناتی برای استفاده از رسانه‌های نوین آموزشی در مدرسه‌ها لازم است و این رسانه‌ها تا چه حد می‌توانند مشکلات موجود در فرایند آموزش را مرتفع کنند؟»

بنده توفیق داشتم سال ۱۳۹۸ پژوهشی را در زمینه بهره‌برداری کیفی از تجهیزات هوشمند در دوره ابتدایی انجام دهم که از سوی وزیر آموزش و پرورش هم تقدیر شد. در این طرح، شرط‌های اثربخشی رسانه‌ها نیز بررسی شده‌است. معمولاً ما نسبت به منابع و امکانات مورد نیاز فهم به‌نسبت روشنی داریم؛ مثل اتصال به اینترنت پرسرعت، رایانه‌هایی با امکانات به‌روز، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای مناسب، نظام پشتیبانی و خدمات‌دهی کارآمد و مانند آن. اما آنچه مهم‌تر است و معمولاً نادیده گرفته می‌شود، موانع و زمینه‌های فرهنگی، معرفت‌شناختی، ارزشی و نگرشی مربوط به رسانه‌های نوین است؛ موانعی که سال‌ها زمان لازم است تا نظام آموزشی ما به فهم عمیقی نسبت به آن‌ها دست یابد؛ چه رسد که آن‌ها را مرتفع کند. می‌توان امیدوار بود که بحران کرونا مانند کاتالیزور عمل کند و این زمان را کاهش دهد. با وجود این، نظر بنده این است که با عنایت به شرایط فکری و نرم‌افزاری حاکم بر نظام آموزشی، فراهم کردن امکانات



است. ممکن است این پاسخ کمی عجیب به نظر برسد، اما واقعیت دارد. صاحب‌نظران بزرگی چون جاناسن، مریل و زیمسن بر همین عقیده‌اند. مؤلفه‌های بنیادین آموزش در همهٔ موقعیت‌ها و بسترها یکی است. از مهم‌ترین آن‌ها «طراحی آموزشی» است. جان‌مایهٔ فناوری آموزشی در طراحی آموزشی نهفته است. اگر معلمی طراحی آموزشی را بفهمد و در این زمینه مهارت داشته باشد، می‌تواند به شکل کارآمد و اثربخش از رسانه‌های آموزشی استفاده کند، و گرنه خیر. از ویژگی‌های دیگر معلمان که در متون پژوهشی پرتکرار است، «تعامل» است. اگر معلم با استفاده از رسانه‌های جدید نتواند با شاگرد تعامل واقعی داشته باشد یا سطح تعامل را بالا ببرد، در عمل رسانهٔ نوین رسانه‌ای یک‌سویه و سنتی خواهد بود. «سواد دیجیتال»، «سواد اطلاعاتی» و مانند آن از دیگر ویژگی‌های مورد نیاز معلم است. همان‌طور که در پاسخ‌های قبلی تأکید وافر شد، «نگرش»‌های ارزشی و معرفت‌شناختی بستر بنیادین استفاده از فناوری‌های نوین است. براساس ذهنیت سنتی، نظام آموزشی ایران و همچنین معلمان، جریان دانش به‌طور عمودی است، درحالی که ماهیت رسانه‌های جدید، به‌خصوص رسانه‌های مبتنی بر «شبکه» (شبکهٔ اینترنت، شبکهٔ اجتماعی و پیام‌رسان‌ها) افقی است. اگر باورهای فرهنگی و معرفت‌شناختی معلم با ماهیت رسانه‌های دیجیتال نوین همسو نباشد، در عمل نوعی تضاد و تنش بین روش‌ها و رویکردهای آموزشی معلم از یک سو و ماهیت رسانه‌های نوین از سوی دیگر به وجود خواهد

متعارف سخت‌افزاری و زیرساختی برای مدرسه‌ها، نه‌تنها کمکی به فرایند آموزش نمی‌کند، بلکه همچنان به هدر رفتن منابع منجر می‌شود. مدت‌هاست آموزش و پرورش در این تصور به سر می‌برد که با فراهم کردن زیرساخت‌های فنی و سخت‌افزاری و حتی نرم‌افزاری، می‌تواند فرایند یاددهی-یادگیری را که اساساً از جنس فرهنگ است، بهبود بخشد و حتی متحول کند. به زبان دیگر، ما توقع داریم با یک رویکرد ابزاری، به توفیقات فرهنگی-آموزشی دست یابیم؛ در حالی که این رویکرد مکرر با شکست مواجه شده و خواهد شد. بنده در مقالهٔ «از هوشمندی تا خردمندی: نقدی بر تلقی نظام تربیتی از فناوری»، به تفصیل به این موضوع پرداخته‌ام. با توجه به جمیع جهات، در پاسخ به این سؤال که آیا رسانه‌ها می‌توانند مشکلات موجود در فرایند آموزش را مرتفع کنند، باید عرض کنم متأسفانه خیر. بدیهی است که بحران کرونا تأثیر خود را در تغییر نگرش‌ها و باورها نسبت به فناوری‌های نوین به‌جا خواهد گذاشت، اما باید منتظر ماند و دید آیا این تأثیرات و این توجه به فناوری، موقتی است یا دائمی.

از نظر شما ویژگی‌ها و مهارت‌هایی که معلمان برای استفاده از رسانه‌های نوین آموزشی نیاز دارند، کدام‌اند؟
در پاسخ‌های قبلی، به‌نوعی به این سؤال پرداخته شد. ویژگی‌ها و مهارت‌های «کلیدی» و «بنیادی» که معلمان برای استفاده از رسانه‌های نوین آموزشی نیاز دارند، در موارد متعدد همانی است که در استفاده از رسانه‌های سنتی و در کلاس‌های معمولی مورد نیاز

آمد که در نتیجه آن اثربخشی رسانه‌های مورد نظر محل تردید خواهد بود.

« برای استفاده از رسانه‌های نوین آموزشی در مدرسه‌ها چه چالش‌ها و محدودیت‌هایی وجود دارد؟ »

بنده یک طرح پژوهشی داشتم که طرح برتر کشوری شناخته شد و خلاصه آن عبارت است از:

نبود یا ضعف دوره‌های آموزشی ویژه معلمان (دانش و مهارت پایین معلمان)، ضعف اعتماد به نفس لازم در بین معلمان، نبود یا ضعف تجهیزات و زیرساخت، باور و نگرش معلمان، کمبود زمان، ضعف پشتیبانی، برنامه درسی مغایر با رسانه‌های نوین، بودجه و منابع مالی ناکافی، ضعف یا نبود نرم‌افزارهای آموزشی، نبود یا ضعف انگیزه.

« آیا با توجه به دوره‌های تحصیلی مثل ابتدایی و متوسطه و تفاوت‌هایی که در سن و سال دانش‌آموزان وجود دارند، می‌توان برای هر کدام از دوره‌ها استفاده از رسانه‌هایی خاص را توصیه یا منع کرد؟ »

بله. اما در حال حاضر همه‌گیری ویروس کرونا مطالعات و معادلات را بر هم زده است. با عنایت به نظریه‌های یادگیری و همچنین نظریه‌های رشد مثل رشد شناختی پیاژه، کودکان در سنین پایین‌تر با شیوه تفکر عینی مأنوس‌ترند. لذا استفاده از فناوری‌های نوین که عموماً بر فضای مجازی مبتنی هستند، توصیه نمی‌شود. نیاز بجه‌ها به فعالیت‌های بدنی و اجتماعی، همچنین آسیب‌پذیری بیشتر آن‌ها (مغزی، روانی و ستون فقرات) در قبال استفاده از رسانه‌های نوین، دلایل دیگری است که نشان می‌دهد استفاده از رسانه‌های دیجیتال در سنین پایین‌تر باید با احتیاط و محدودیت بیشتر همراه باشد.

« با توجه به وضعیت فعلی آموزش که در ایام همه‌گیری

کرونا دچار بحران شده است، نقش رسانه‌های آموزشی چقدر تغییر کرده و به نظر شما بعد از دوران کرونا نگاه‌ها و بهره‌گیری‌ها از رسانه‌های آموزشی چگونه خواهد شد؟

بحران کرونا در کنار آسیب‌های فراوانی که در پی داشت، فرصت‌های زیادی را برای آموختن و تغییر فراهم کرده است. اما تاریخ آموزش و پرورش نشان داده است که سکون و مقاومت نظام آموزشی بیش از آنی است که تصور می‌شود. می‌توان امیدوار بود که بحران کرونا نقطه عطفی را در تاریخچه رسانه‌های نوین آموزشی در ایران رقم بزند، اما همان‌طور که عرض کردم، تجربه‌های نه‌چندان موفق استفاده از این رسانه‌ها، چه قبل از کرونا و چه در حین کرونا، از فروغ این چراغ می‌کاهد. هم‌اکنون کشتی آموزش در توفان کرونا گرفتار شده و با تضرع و استیصال به فناوری‌های نوین چنگ زده است، پیش‌بینی بنده این است که بعد از پهلو گرفتن کشتی در ساحل، نظام آموزشی به باورها و رویه‌های قبلی خود بازگردد؛ به‌ویژه اینکه مشاهده خواهد کرد فناوری‌های نوین آن‌گونه که انتظار می‌رفت، نجات‌بخش نبوده‌اند. با وجود این، ممکن است استفاده از برخی اپلیکیشن‌ها و رسانه‌ها - مثل شبکه‌شاد - در حد مناسب ظاهری باقی بماند؛ همانند سرنوشت تخته‌های هوشمند که به جای آنکه «مزیت» کلاس باشند، «زینت» دیوار شدند.

« و سخن آخر؟ »

صلاح کار کجا و من خراب کجا

بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا

ز روی دوست دل دشمنان چه دریا بد

چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

«حافظ»

معرفی کتاب نظریه و عمل رسانه‌های آموزشی در عصر دیجیتال

کتاب نظریه و عمل رسانه‌های آموزشی در عصر دیجیتال به قلم دکتر حسین اسکندری توسط انتشارات سمت چاپ شده است. کتاب شامل دو بخش اساسی است که بخش اول ناظر به «نظریه» و بخش دوم درباره «عمل» رسانه‌های آموزشی عصر دیجیتال است. این کتاب از معرفی صرف رسانه‌های آموزشی عصر دیجیتال و بیان کاربردهای متنوع آموزشی آنها آگاهانه پرهیز کرده، و به پشتوانه نظری رسانه‌های عصر دیجیتال در سه موضوع اساسی پرداخته است: نخست توضیح دلالت‌های پارادایم جدید پیچیدگی و نظریه آشوب برای حوزه تعلیم و تربیت؛ دوم بیان دیدگاه‌های مختلف در باب نسبت «فناوری و تعلیم و تربیت» و تشریح چهارچوبی مفهومی و فلسفی نو در این باب؛ سوم معرفی نظریه «ارتباط‌گرایی». بخش دوم کتاب یعنی «عمل» رسانه‌های آموزشی، به معرفی رسانه‌هایی اختصاص یافته است که به‌طور ویژه در دهه اخیر متولد شده و در حال رشد و بالندگی هستند.

فصل‌های کتاب شامل روندهای تغییر، فناوری و تعلیم و تربیت، ارتباط‌گرایی - نظریه یادگیری در عصر دیجیتال، رسانه‌های آموزشی در عصر دیجیتال، و زیست‌بومها و شبکه‌های یادگیری می‌باشد.

